

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درجہ اول

مجلاتى بنام بانوان

خطر بزرگى كه زن ايرانى را تهديد ميكند!

بخوانيد و تصميم بگيريد؛ بخوانيد و اعتراض كنيد
بخوانيد و كمى بخود تكان دهيد و قدمى برداريد!

ميل داشتيم روى جهاتى در اين باره سكوت كنيم ، امامى بينيم رسوائى بحدى رسيده كه ديگر جاى سكوت نيست .

امروز در كشور ما مجلاتى بنام بانوان منتشر مى شود كه نمونه كاملى از انحطاط ادبى ، ارتجاع ، و گرايش بسوى فساد است ، بدبختى در اين است كه آنرا بنام يك موجود شريف ، يك ركن مهم اجتماع ، يك جنس عاطفى و احساساتى كه زود تحت تأثير قرار ميگيرد و پيش از همه نياز مند ب يك رهبرى صحيح وعالى است ، منتشر ميكنند .

مطبوعاتى كه بنام بانوان نشر مى يابد وظيفه و مسئوليت بسيار سنگيني دارند ، بايد بزن شخصيت دهند ، مقام واقعى زن را بالا بپرند ، سرمايه هاى معنوى و اخلاقى او را بپا فزايند ، از تندروها و اشتباه كارى هاى كه عده اى از زنان بان مبهتلا هستند جلو گيرى كنند ؛ ولى اين مجلات نه تنها كوچكترين قدمى در اين راه بر نمى دارند بلكه شخصيت و افتخار زن را تنها در پيروي از مد ، و آرايش و زيبائى ، كه كاملترين مظهر آن ستارگان سينما هستند ، خلاصه مى كنند ، گويا از نظر آنها زن براي غير اينها آفريده نشده است ، وزن بازيچه و عروسكى است براي سرگرمى مردان هوسباز !

این مجلات عامل بزرگی برای انحراف دختران، از هم پاشیدن خانواده‌ها، تشویق زنان به مدپرستی و تجمل پرستی، و فراموش کردن ارزشهای واقعی انسانی و وظائف سنگینی که در خانواده و اجتماع بهمه دارند، میباشد.

قسمت عمده مطالب این مطبوعات مسهوم، مربوط باخبار سینمایی، انواع آرایش گیسو راهنمایی برای زیبایی، مدهای مختلف زیرپوش، انواع واقسام مایو و لباس شنا، معرفی کرمها و پودرها و روژ لب، داستانها و رمانهای عشقی و مطالب دیگری از همین قماش است.

الان دو شماره ازدونوع از این مجلات پریها هو که نام آنها را بملاحظاتی نمیبیریم جلوی روی ما است، اجازه بدهید آنها را برای شما خواننده عزیز ورق بزیم و فهرست مطالب آنرا اجمالا از نظر شما بگذرانیم، بعد وجدان شما را بدآوری میطلبیم ببینید این نوع مجلات چگونه ارزش جنس زن را در اجتماع مسا پائین میآورد و بانحرف و سقوط او کمک میکند.

در یکی از آنها صرف نظر از عکسهای رسوای روی جلد و پشت جلد؛ سر مقاله ای تحت این عنوان بچشم میخورد: «راستی دختر خانم حاضرید زن يك قهرمان کشتی بشوید؟» سپس اظهار نظر صریح چند دختر خانم محجوب و خجالتی؛ را درباره خوبیها و اشکالات ازدواج با قهرمانان کشتی ذکر کرده و از قول یکی از آنها مینویسد که من بفلان قهرمان کشتی علاقه مندم چون کله اش شبیه بول براینز» هنر پیشه معروف سینماست!!

مقاله بعد درباره عشق و نامزدی و ازدواج پسرهای کشور ترکیه است (بمناسبت تشریف فرمایی دختران ورزشکار ترك بکشور ما؟).

مقاله سوم درباره نیایبی مرد در ایران میباشد و در آن تصریح شده که: «مرد ایرانی روز بروز نامردتر میشود» و مرد ایرانی ام الفساد است و همه عقبماندگیها زیر سر اوست. گرچه مقاله مزبور بقلم یکی از خوانندگان آن مجله است و گردانندگان مجله از خود سلب مسئولیت کرده اند، ولی هر چه هست در این مقاله با قلم مؤثر و مسمومی اثبات شده که در تمام خطه کشور شاهنشاهی حتی یک مرد هم وجود ندارد و (ببخشید بتعبیر ادبی خود آن مجله!) همه نامرد تشریف دارند! چشم همه رجال روشن!

سپس بحثی در باره دختران والیبالیست و بحثی درباره آقا پسر روز، و در چند صفحه بعد هفت نوع از جدیدترین مدزیرپوش با عکسهای بسیار زنده و بدنهای نیمه برهنه بخوانندگان

گرامی تحویل داده شده ، در صفحه بعد تحت عنوان «**مدهای تازه و عجیب**» هشت مانکن را با هشت نوع لباس عجیب و غریب که بعضی فوق العاده زننده است ، برای استفاده خوانندگان منعکس ساخته اند . در صفحه بعد تحت عنوان «**لباسهای حاملگی**» ، ۵ مدل از لباس های مخصوص حاملگی از «**کلکسیون مدهای پاریس**» انتخاب فرموده و بخوانندگان تقدیم داشته اند .

با زرد صفحات بعد «**۹ مدل از مدهای جدید**» لباس عرضه داشته و قید کرده اند که بعضی از این لباسها مخصوص «**پیک نیک**» و بعضی مخصوص «**بعد از ظهر**» و بعضی برای «**میهمانیهای شب**» و چند نمونه آن مخصوص تابستان است (کسانی که این روزها میگویند میخواهیم با تحمل پرستی مبارزه کنیم و فکری برای افراد برهنه و گرسنه و کودکان یتیم و بی سرپرست بنمائیم ، بخوانند و برای دیگران هم نقل کنند!)

در چند صفحه بعد رپرتاژ جالب و تکان دهنده ای از يك پسر ۲۵ ساله ایرانی که در لندن زنان مسن و پولدار او را کرایه می کردند منعکس ساخته اند (لا بد بسیاری اینکه از این راه و کار شرافتمندان - ای ، برای جوانان بیگوار کشور ما فراهم کنند !)

همچنین در چند صفحه بعد تحت عنوان «**دختران بهاره**» شرح حال ۱۰ نفر از دختران را با عکس و تفصیلات و ریزه کاریهایی که از ذکر آن معذوریم درج کرده اند .

پس از آن بحثی درباره «**فنون دلربایی و رعنائی**» و سپس با ارائه سیزده نوع مختلف از آخرین مدهای آرایش موی سر و داستانهایی از همین قبیل مجله را تکمیل کرده اند ، و اگر فرضاً در میان اینهمه مطالب بی ارزش و پوچ و گمراه کننده يك مطلب آموزنده هم باشد کاملاً تحت الشعاع است .

خلاصه چیزی که در آنها یافت نمیشود بحثهایی است که ارزش واقعی زن را بالا ببرد ، سطح فکر بانوان را ترقی دهد؛ او را از تجمل و اسراف و مد پرستی بازدارد ، شخصیت او را از محور لباس و آرایش و مد ، بعلم و فضیلت و اخلاق و تربیت فرزند و عواطف پاک انسانی متوجه سازد .

در مجله دوم نیز بحثهایی تحت عنوان «**گره گشای زیبایی و پاسخ بمشکلات خوانندگان**» در این قسمت ، و «**آنچه باید همه گمراهان جوان بدانند**» ، صفحات متعددی مخصوص «**مد و زیبایی و راهنمای کنار دریا**» ، «**عکسهای رنگین و رسوا**» ، «**افسانها**» و «**رمانهای**

گمراه کننده و مطالب دیگری از این قبیل ... بچشم میخورد !

راستی ما نمیدانیم جریان چیست ؟ آیا دستهایی در کار است که جنس زن ایرانی را سقوط دهد و پیرنگاه بدبختی بکشانند ، بجائی ببرد که در آن کوچکترین اثری از ارزشهای واقعی انسانی نیست ؟ ! وزن بعنوان يك باز یچه و عروسك بی ارزشی در دست يك عده مردان هوسباز قرار گیرد ؟

یا اینکه گردانندگان این مطبوعات صرفاً برای پر کردن جیبهای خود از طریق يك تجارت نامشروع و ناجوانمردانه بدون داشتن هرگونه هدف و ایده اصلاحی ، قلم را بدست گرفته و آنچه تصور میکنند خریدار بیشتر دارد روی صفحه کاغذ میآورند و نسل زن ایرانی را لجن مال میکنند ، و در کشوری که اینهمه گرسنه و برهنه و بیکار وجود دارد مرتباً زنان را تشویق به مدپرستی و تجمل پرستی مینمایند .

هر چه باشد نتیجه یکی است . آیا با این وضع ما میتوانیم زنانی پرورش دهیم که در امان آنها رجال و شخصیتهای بزرگ و ارزنده علمی و اجتماعی و سیاسی تربیت شوند ؟ آیا با این وضع برای زن ایرانی شخصیتی باقی می ماند ؟

ما بتمام کسانی که خواهان سعادت و خوشبختی دختران و زنان خود هستند اعلام خطر میکنیم ، بتمام کسانی که زن را بعنوان يك انسان ، يك سازنده نسل بر موند و پرافتخار (نه بعنوان يك عروسك بی ارزش) میشناسند ، اعلام میکنیم اینگونه مطبوعات مسموم خطر بزرگی برای زنان محسوب میشوند ، و باید باین وضع فنگین خاتمه داد .

به عقیده ما قبل از همه خود بانوان ! بانوان با ایمان ، زنان متفکر و تحصیل کرده که بسعادت خود و همجنسان خود علاقه مندند باید باین وضع اعتراض کنند و ثابت نمایند اینگونه مجلات همتدل نماینده افکار آنها نیستند .

چرا مسئولین امور - با آن قانون برنده مطبوعات - جلوگیری نمیکنند و باین وضع خاتمه نمیدهند ؟ اصولاً باید مجله و روزنامه در مملکت ما از صورت يك کالای تجارتي که راه ثروت - اندوزی عده ای گمراه و بیخبر باشد بیرون آید ، تا این وضع خاتمه یابد .

ما معتقدیم ادامه این وضع ، خطر بزرگی برای زن ایرانی بوجود خواهد آورد و برای انجام وظیفه آنچه لازم بود نوشتیم ، ولی آنچه ننوشتیم ایم بیش از اینهاست .